بسم الله الرحمن الرحیم. درس خارج اصول استاد سید محمد جواد شبیری 2 اردیبهشت 1397.

خب بحث سر این بود که در جایی که شک داریم که شبهه محصوره است یا غیر محصوره است آیا حکم شبهه محصوره را بار کنیم یا حکم شبهه غیرمحصوره را. خب نتیجه بحث تا اینجا روی مبنای مرحوم نائینی بحث می کردیم که محذور در شبهه محصوره ترخیص در مخالفت قطعیه است. ما می خواستیم بگوییم آیا این محذور اینجا می آید یا خیر عرض شد که در واقع ما یک قیدی اصل عملی خورده است به لزوم ترخیص در مخالفت قطعیه ما نمی دانیم این قید در اینجا وجود دارد یا خیر شبهه مصداقیه مخصص است و چون شبهه مصداقیه مخصص است به اصل عملی نمی شود تمسک کرد. خب ممکن است شخصی اینجوری تقریب کند بگوید نه اینجا می شود به اصل عملی تمسک کرد چون در واقع آن قیدی که دلیل اصل خورده است لزوم مخالفت قطعیه نیست. قطع به لزوم مخالفت قطعیه است. و ما اینجا قطع به لزوم مخالفت قطعیه نداریم بنابراین به اصل عملی می شود تمسک کرد. تقریب این که ما قیدی که اینجا هست قطع به لزوم مخالفت قطعیه است بنابراین صورت شک اصلا داخل در این قید نیست بنابراین اجرای اصل اشکالی ندارد دو تقریب آقای صدر اینجا ذکر می کنند تقریب اولش را کار نداریم تقریب دومش را می خواهم عرض کنم. تقریب دومش این است که ایشان می گوید که اینجا با جاهای دیگر فرق دارد. اینجا ما در واقع دو طرف را تدریجا انسان مرتکب اطراف تدریجا مرتکب می شود حالا شبیه این برای این که بحث راحت تر شود ما در دو طرف فرض می کنیم مشابهش در اطراف کثیره هم همین مطلب هست ما نمی دانیم که دو طرفی که ما داریم آیا این دو طرف مقدور هستیم هر دو طرف را مرتکب شویم یا خیر. خب بحث سر این است که این دو را که با هم که انجام نمی دهیم تدریجی انجام می دهیم. طرف اول را که می خواهد مرتکب شود خب قطع ندارد که مخالفت قطعیه پیش می آید اصل جاری می کند. اما طرف دوم را که می خواهد اصل در آن جاری کند یا برایش احراز می شود که امکان ندارد طرف دوم را مرتکب شود خب اصل در آن جاری نمی شود. محذوری نیست. یا احراز می شود که مخالفت قطعیه هست از حالا به بعد دیگر باقی را مرتکب نمی شود. پس از حالا به بعد هیچ محذور یعنی هیچ این طور نیست که شک در مخالفت قطعیه تا آخر باقی بماند شک در مخالفت قطعیه حین ارتکاب طرف دوم از بین می رود. وقتی از بین رفت بعد از ارتکاب طرف دوم بعد از این که می خواهد طرف دوم را مرتکب شود قطع دارد که مخالفت قطعیه پیش می آید یا قطع دارد که پیش نمی آید و هیچ محذوری اینجا وجود ندارد. این تقریبی است که خب حالا شما این جوری بیان بنابراین جایی که قطع پیدا کنید که مخالفت قطعیه پیش می آید از این به بعد چون محذور دارد از این به بعد شیء را مرتکب نمی شود. خب حالا من آقای هاشمی اینجا این اشکال را مطرح می کنند می گویند که ببینید خب شما قبول دارید که طرف اول را چون شک دارد در مخالفت قطعیه می تواند مرتکب شود. درست. طرف دوم را که می خواهد مرتکب شود چه؟ ارتکاب طرف دوم می گویید شما قطع پیدا می کند قطع که پیدا می کند الآن قطع پیدا می کند در زمانی که طرف اول از محل ابتلا خارج شده است دیگر وجود ندارد امکان تحقق ارتکابش دیگر نیست. زمانی قطع پیدا می کند که فقط یک طرف را می خواهد مرتکب شود نه هر دو طرف را. به تعبیر من من این طوری عرض کنم که معنای این حرف این است که مثل شبیه چه؟ شبیه این که یک طرفی شما اناء شرعی و غربی جلویتان است. علم اجمالی هم ندارید بعد اناء شرقی را مرتکب می شود بعد از ارتکاز اناء شرقی تازه علم اجمالی به اناء غربی مرتکب می شود که یا انائی که قبلا مرتکب شدید آن نجس شده است یا انائی که الآن می خواهید مرتکب شوید. این که محذوری ندارد. محذور این است که علم اجمالی داشته باشید قبل از ارتکاب علم اجمالی داشته باشید. اینجا علم اجمالی بعد از ارتکاز طرف اول تازه حاصل می شود. خب ان قلت که در جایی که آقایان می گویند اگر علم اجمالی داشته باشیم بعد از تحقق علم اجمالی اضطرار به یک طرف حاصل شود. می گویند علم اجمالی منجّز است. آن با اینجا چه فرقی دارد که

پاسخ مطلب این است که آنجا یک تقریبی وجود دارد که در ایجا نمی آید آن تقریب. آن تقریب این است که هر

فرض کنید یک طرف مضطر داریم یک طرف غیر مضطر یک علم اجمالی داریم که یا طرف مضطر واجب است طرفی که بعدا مظطر می شود یا طرفی که برایش اضطرار تالی می شود واجب است الی حین الاضطرار یا طرف دیگر واجب است مطلقا. علم اجمالی مردد بین فرد قصیر که در طرف مضطر هست و فرد طویل که در طرف غیرمضطر است از اول وجود دارد و این علم اجمالی منجّز است. ما نحن فیه این طور نیست.

سؤال

پاسخ: نه به استصحاب کلی اناء ربطی ندارد. ببینید ما یک علم اجمالی داریم یا اناء شرقی حرام است یا اناء غربی حرام است. اناء شرقی یک ساعت دیگر اضطرار به شرب آن پیدا می کنم. اناء غربی نه اضطرار به آن پیدا نمی کنم. اضطرار معیّن. معنای این چیست؟ معنایش این است که من یقین دارم که یا اناء شرقی تا یک ساعت دیگر حرام است ارتکابش یا اناء غربی مطلقا حرام است. در عمود زمان.

سؤال: تا یک ساعت دیگر حرمتی است از یک ساعت دیگر

پاسخ: لازم نیست این باشد. همین علم اجمالی که از اول باشد اثر خودش را می کنم. لازم نیست که این علم اجمالی باقی باشد.

سؤال:

پاسخ: نه لازم نیست علم اجمالی شما یک طرف همه موارد علم اجمالی این است. علم اجمالی که یک طرفش را مرتکب شوید دیگر علم اجمالی که ندارید

سؤآل: اجازه ارتکاب نداشتید

پاسخ: بعد از این دارید قبلا نداشتید ولی از این به بعد دارد

سؤال: این فرق می کند

پاسخ: هیچ فرقی ندرد به سوء اختیار یا غیر سوء اختیار باشد

سؤال: یک طرف ریخت

پاسخ: یک طرف ریخت هم از همین چیزها است. حالا یا اضطرار پیدا کنیم یا برزد یک طرف از محل تکلیف خارج می شود بحث ما این صورت است و این صورت حالا به خصوص جایی که بریزد که روشن است. فرض کنید اگر یکی از اینها را من بریزم یا خودش بریزد ارتکاب طرف دیگر جایز نیست. روایتش هم همین مطلب اقتضا میکند. یحریقهما و یتیمم امثال اینها اقتضا می کند که هر دو را باید بریزیم. یک طرف را بریزیم کافی نیست. یک طرف را ریختیم علم اجمالی تمام شد دیگر. این فایده ندارد. چون همان علم اجمالی بوجوده الحدوثی اثر استمراری دارد. حالا این بحثش در جای خودش. تقریبا روشن است. ولی این پاسخی که انجا هست که علم اجمالی بین طرف قصیر و طرف طویل از اول وجود دارد در ما نحن فیه نیست. ما همچین علم اجمالی اینجا نداریم. پس بنابراین زمان ارتکاب فرد اول علم به وجوب مخالفت قطعیه نداریم زمان ارتکاب فرد دوم علم به وجوب مخالفت قطعیه داریم ولی محذوری نیست. خب این بیانی هست که آقای هاشمی دارند. اینجا من در مورد این بحث می خواهم اولا یک نکته ابتدا شکلی عرض کنم اصلا این که ایشان آقای صدر این مطلب را مطرح می کنند که ما ایجا شک در مخالفت قطعیه داریم یعنی چه؟ باید در مخالفت قطعیه شک داریم که هیچ وقت شک نداریم. مراد از مخالفت قطعیه مخالفت قطعیه ای است که الآن به آن قطع داشته باشیم و الا شک داریم که بعد از عمل یعنی شک داریم که هنگام ارتکاب شیء دوم آیا قطع پیدا می کنیم به این که یا شیئ اول یا شیء دوم حرام است این که فایده ندارد. آن که محذور هست مخالفت قطعیه ای که هنگام ارتکاب مخالفت قطعیه باشد. خب مخالفت قطعیه هنگام ارتکاب هیچ وقت قطع نداریم. بعدا هم مخالفت قطعیه حین الارتکاب به آن قطع نداریم. قطع داریم که یا به آن شیئی که قبلا تحقق پیدا کرده است مخالفت شده است یا مخالفت از این به بعد شده است.

سؤال: حین ارتکاب دوم که قطع به مخالفت

پاسخ: قطع به مخالفت قطعیه با او که نداریم. قطع به مخالفت قطعیه یا این یا قبلی این که به درد نمی خورد. قطع باید داشته باشید که یا این قطع به مخالفت قطعیه التزامیه هم محذور دارد. ولی مخالفت التزامیه ای که از این به بعد باشد. مخالفت التزامیه قطعیه ای که یک طرفش ثابت باشد که اصلا محذور نیست هیچ وقت قطع به مخالفت قطعیه حاصل نمی شود. این جور نیست که حاصل می شود و محذور نیست که عبارت آقای هاشمی این طوری است. از اول

سؤال:

پاسخ: این یک بحث شکلی است که اصلا این بیانی که آقای صدر مطرح میکند که اینجا ما قطع به مخالفت قطعیه نداریم شک در مخالفت قطعیه داریم نه قطع داریم که مخالفت قطعیه اصلا معنا ندارد معنا ندارد که در مخالفت قطعیه من شک دارم یا خیر. چون نسبت به چیزهای خودم که نمی توانم شک کنم. من الآن می دانم که مخالفت قطعیه پیش نمی آید. پس این اصل

سؤال: تدریجی بودن

پاسخ: ولو به خاطر تدریجی بودن من قطع به مخالفت قطعیه ای که الآن که قطع به مخالفت ندارم. حین العمل هم مخالفت قطعیه با آن عمل نیست. مخالفت قطعیه با آن عمل یا عمل قبلی است. این که محذور نیست. مخالفت قطعیه ای که محذور دارد مخالفت قطعیه حین العمل یا در آینده است. و این مخالفت قطعیه هیچ وقت من به آن قطع ندارم. این یک بحث شکلی است ابتدائا.

سؤال: باید ببینید مخصص دلیل اصل چه قطعی است

پاسخ: این که قطعا اشکال ندارد. یعنی مخالفت قطعیه ای که آن بحثی که نقضی که کردم همین بود دیگر. اگر خروج یک طرف از محل ابتلا حالا یا به ریخته شدن یا به امتثال به هر چه فرض کنید من یا این آب نجس است یا این آب نجس است نه علم پیدا می کنم که یا اناء شرقی ای که قبل از علم من آب آن ریخته است نجس شده است یا اناء غربی ای که الآن موجود است آبش نجس است. این که به درد نمی خورد

سؤال: ولی اگر خورده باشد چرا محذور ندارد؟

پاسخ: چه محذوری دارد

سؤال: کاری کنم که بدانم

پاسخ: نه کاری نمی کنم که می دانم.

سؤآل: الآن که نمی دانم اگر این را بخورم می دانم

پاسخ: می دانم که قبلا یا با این این اشکالی ندارد

حالا این که شیخ در بحث خودش مفصل گفته است که شما در شبهه بدویه برائت جاری کنید بعد بروید تحقیق کنید که آیا آن حرام بوده است یا نبوده است. علم به تحقق حرمت بعد از تحقق عمل که محذوری ندارد. علم پیدا کنید بعد از ارتکاب عمل این که عملی که قبلا انجام دادید حرام بوده است این که محذوری نیست

سؤال

پاسخ: همین است دیگر. الآن معلوم شده است که یا قبلا حرام مرتکب شده اید یا این محقق می کنید. این چه محذوری دارد؟ این که محذوری ندارد.

سؤال:

پاسخ: نه چه هتکی دارد؟

فرض این است که ما در شبهه بدویه داریم برائت جاری می کنیم. مخالفت احتمالیه محذور نیست. مخالفت قطعیه محذور است. من الآن تنها مخالفت احتمالیه را دارم مرتکب می شوم. با این عملم مخالفت احتمالیه را مرتکب می شوم مخالفت قطعیه را یا با این عمل مرتکب شوم یا با عملی که دیگر گذشته است و رفته است پی کارش. این که محذوری ندارد. اصل مشکل از جهت شکلی باید این طوری بحث را مطرح کرد. البته ممکن است ما بگوییم که این ورای این الفاظ یک جور دیگر می شود بحث را طرح کرد اگر آن طور بحث را طرح کنیم در واقع آن وقت اشکال آقای هاشمی هم پاسخ داده می شود. آن این است ببینید شارع مقدس در جایی که من یقین دارم که یا الف محرم است یا ب محرم است نمی دانم که قدرت بر فرد دوم هم داریم اگر ترخیص داده باشد از اول ترخیص داده است. نه حین العمل ترخیص می دهد. فرض این است که هر دو این اوجبات فعلی است. فرض این نیست که بعدا واجب فعلی می شود. هر دو این واجبات از اول فعلی است. وقتی که فعلی است این طوری است که شارع مقدس در اولین فرد که خب ترخیص داده است در فرد دوم نمی دانیم ترخیص دا ده است یا خیر. چرا نمی دانیم چون نمی دانیم قدرت بر فرد دوم داریم یا خیر. ولی می دانیم که بر فرضی که ترخیص داده باشد ترخیص در جمع بین المخالفتین است. یعنی بر فرض ترخیص ترخیص در مخالفت قطعیه است. حالا این یک مقداری از جهت لفظی چطوری تعبیر کنیم یعنی بر فرضی که شارع ترخیص داده باشد یعنی بر فرض قدرت که فرض ترخیص است ترخیص در کلی الطرفین داده است چون ترخیص در فرد دوم را داریم در نظر می گیریم بعد از اینکه ترخیص در فرد اول را هم داده است. پس اگر ترخیص باشد از اول ترخیص داده است. نه این که هنگامی که علم پیدا می کنم هنگامی که می خواهم مرتکب شوم تازه می خواهد ترخیص دهد. ترخیص از اول دارد می دهد و این ترخیصی که در اول می دهد ولو این ترخیص مشکوک است ولی بر فرض ترخیص دادن ترخیص محذورداری است. لازم نیست من علم داشته باشم که ترخیص داده است یا خیر. ولی می دانم که اگر ترخیص داده باشد این ترخیص دوم است.. ترخیصی است که به علاوه ترخیص اول ترخیص در مخالفت قطعیه است. حالا عرض کردم کلمه مخالفت قطعیه اش را یک کمی قمض عین کنید که اینجا چطوری مخالفت قطعیه من تعبیر می کنم. این فرق دارد با آن مثال های این جا علم اجمالی از اول هست. در مثالی که من می زدم و می گفتیم از بحث خارج است یعنی علم اجمالی منجز نیست علم اجمالی از اول من که نداشتم بعد از این که یک طرف از محل ابتلا خارج شد تازه علم اجمالی حاصل می شود. تازه می خواهیم ببینیم اصل جاری می شود یا خیر. شک و یقین و این حرف ها تازه حاصل می شود. ما نحن فیه از همان اول من شک دارم چون علم اجمالی وجود دارد. شک دارم که آیا قدرت بر امتثال دارم یا خیر. پس شک دارم در وجود ترخیص اگر هم ترخیص شارع داده باشد از اول داده است و این ترخیص که در اول داده است مشکل دارد البته چون یقین ندارم ترخیص دوم داده شده است ترخیص اول بی محذور است. چون ترخیص اول علم به معارضه ندارم چون ممکن است ترخیص دوم داده شده باشد ممکن است داده نشده باشد پس ترخیص در فرد اول جایز هست به دلیل این که محذور ثابت نشده است اثبات هم نشده باشد محذور کافی است برای این که رفع ما

چون شک در معارضه دارم. شک در معارضه کافی است برای این که اصل جاری شود. اصل در شک در معارضه جاری می شود. آن محذوری ندارد. حالا منهای آن بحث های آن تقریباتی که قبلا عرض کردم حالا خود این تقریب را می خواهیم وارسی کنیم. منهای آن تقریب یعنی اگر محذور، محذور ترخیص در مخالفت قطعیه باشد ترخیص در مخالفت قطعیه یعنی در واقع همین می خواهیم بیان مرحوم آقای صدر را تقریب کنیم. ایشان می خواهند بگویند که در واقع آن چیزی که محذور قید خورده است قطع به لزوم مخالفت قطعیه است. و این قطع به لزوم مخالفت قطعیه وجود ندارد. به نظر می رسد که کلام آقای صدر تام باشد و شبیه همه این بحث هایی که عرض کردم که روی مبنایی که ما هم دنبال می کردیم که محذور ترخیص در مخالفت قطعیه نیست. محذور این است که شارع مقدس کاری بکند که من عرض کنم خمت شما ترخیصی که نوعا مخالفت قطعیه در آن پیش می آید آن ترخیص آن بیانی که ما داشتیم هم

سؤال:

پاسخ: بحث ارتکاز مناقضه تعبیر نمی کردیم ما می گفتیم عرف در جایی که لازمه می گفتیم در شبهه غیرمحصوره محذور این است که در شبهه محصوره این که شارع کاری کند که با این کار نوعا مکلّفین به مخالفت قطعیه بیفتند این محذور دا رد. سبب شدن ترخیص شارع برای مخالفت قطعیه تسبیب به مخالفت قطعیه این محذور دارد. تسبیب به مخالفت قطعیه ما گفتیم در شبهه غیر محذوره تسبیب به مخالفت قطعیه نیست نوعا. چون داعی بر ارتکاز جمیع اطراف وجود ندارد. ولو امکان ارتکاب جمیع اطراف هم باشد داعی نوعیه بر ارتکاب جمیع افراد وجود ندارد. محذور این است تسبیب نوعی به ارتکاب قطعی مخالفت. این محذور هست. خب در جایی که ما شک داریم که اینجا شبهه محصوره است یا غیر محصوره است ما در واقع نمی دانیم آیا این دلیل ما تسبیب به ارتکاب قطعی مخالفت هست یا نیست. عین همین بحث هایی که در لزوم مخالفت قطعیه و همه این حرفهایی که زده شد من اوله الی آخره مشابهش در این جاها هم پیش می آید

سؤال: تضمین هم کرده است شارع

پاسخ: همان بحث ها هم در آن هست که این که آیا اینجا داعی نوعیه وجود دارد یا ندارد اینها چیزهایی نیست که شارع آن را تضمین کند. داعی نوعیه وجود داشتن یا نداشتن چیزی است که عرف متعارف تشخیص می دهد. مثل قدرت و عدم قدرت. داعی نوعیه بر مخالفت و عدم داعی نوعیه بر مخالفت چیزهایی نیست که به طور معمول شارع به این قیودات کاری داشته باشد. بنابراین همه این بحث هایی که

نتیجه بحث این می شود که احتیاط لازم نیست چون ما بیان نهایی آقای صدر را قبول کردیم. گفتیم آقای صدر این بیانی که بیان می کنند که قطع اینجا قطع چون اولین فرد را طرف که می خواهد مرتکب شود قطع به مخالفت قطعیه که ندارد. قطع به این که محذور هست وجود ندارد. فرد دوم را که می خواهد مرتکب شود خب آن داعی حاصل می شود. یعنی در واقع ما این بیان را پذیرفتیم که بنا بر بیان مرحوم نائینی نتیجه اش جواز ارتکاب در شبهه مشکوک شبهه ای که مشکوک است شبهه محصوره و غیر محصوره این بیان نهایی ایشان را ما پذیرفتیم. در واقع آن صورتی فقط قید خورده است که قطع به مخالفت قطعیه داشته باشیم. صورتی که شک در مخالفت

حالا می گویم آن بحث لفظی را کنار بگذارید عرض کردم این از جهت شکلی که شک در مخالفت قطعیه تع بیر می کنند یک تعبیر مسامحه آمیز است یک مقداری از این رفع ید کنید. یعنی در واقع صورتی که من شک دارم در مخالفت قطعیه این صورت از اول تحت آن مخصص داخل نیست. آن چیزی تخصیص خورده است محذور نفس مخالفت واقعیه نیست. مخالفت قطعیه است که محذور است و این مخالفت قطعیه جایی که در مواردی که شک دارم که شبهه محصوره است یا غیر محصوره است این مخالفت قطعیه وجود ندارد. قطعا

سؤال:

پاسخ: شک در تحققش هم نیست. قطعا اینجا مخالفت قطعیه وجود ندارد و بنابراین نتیجه بحث این می شود که ما می خواهیم بگوییم که آقای هاشمی می گفتند که کلا اینجا می شود مخالفت کرد. نسبت به فرد اول می شود مخالفت کرد چون علم نداریم به این که لزوم مخالفت قطعیه پیش می آید نسبت به فرد دوم هم علم اجمالی بعدا حاصل شده است. ما گفتیم کلام تام نیست کلام آقای صدر نسبت به فرد اول درست است که اصل جاری می شود ولی نسبت به فرد دوم اصل جاری نمی شود چون اگر بخواهد اصل جاری شود باید از اول اصل جاری شود و جریان اصل از اول با محذور ترخیص در مخالفت قطعیه مواجه می شود. عین همین بیان در عرض ما هم می آید شاید هم روشن تر. یعنی اگر شارع بخواهد ترخیص در کلی الطرفین کند تسبیب کرده است در این که هر دو طرف را شما مرتکب شوید. شارع در یک طرف اشکالی ندارد. در یک طرف چیز نیست محذورش ترجیح بلا مرجّح و معارضه و این حرف ها بود. این که ما در یک طرف اصل را می گفتیم جاری نمی شود به خاطر معارضه و لزوم ترجیح بلا مرجّح بود. ما نحن فیه که اصلا از این بحث ها معارضه و اینها پیش نمی آید چون احتمال المعارضه است قطع به معارضه نیست. پس اجرای اصل در یک طرف مانعی ندارد اجرای اصل در کلی الطرفین مانع دارد معنای این این است که در شک در شبهه محصوره و شبهه غیرمحصوره حکم شبهه غیرمحصوره بار می شود. که شبهه غیرمحصوره ما در شبهه غیرمحصوره به این نتیجه رسیدیم که موافقت قطعیه اش واجب نیست و الا مخالفت قطعیه اش حرام است.

سؤال:

پاسخ: نه در هر دو طرف جاری نمی شود فقط در یک طرف جاری می شود.

نه در هر دو طرف جاری می شود به نحو مطلق جاری نمی شود. علی البدل جاری است یعنی در هر طرفی جاری می شود به شرط عدم ارتکاب طرف دیگر. یعنی معنایش این است که اجرای مقید است در هر طرف مقید به عدم اتیان به طرف

سؤال:

پاسخ: اینجا هم نیست. اینجا هم ما در واقع بر فرض این که می خواهیم بگوییم بر فرض ارتکاب طرف اول در دومی اصل جاری نمی شود. این را می خواهیم بگوییم. آنجا هم همین را می گفتیم در شبهه غیر محصوره بر فرض ارتکاب طرف اول طرف دوم بما انه طرف دوم اصل در آن جاری نمی شود. در هر طرف دست بگذارید معین اصل جاری می شود ولی در طرف دوم بما هو طرف دوم اصل جاری نمی شود.

سؤال: الآن باز مخصص لبی در اصل چیزی بگیرید که شارع تضمین کرده باشد آن را در آن مجرا. الآن مخصص لبی چیست که شما

پاسخ: لازم نیست تضمین کنید. ما اصلا شک نداریم. بحث سر این است. آن محذوری که وجود دارد لزوم تسبیب در ارتکاب قطعی مخالفت. تسبیب شارع نسبت به ارتکاب قطعی مخالفت. تسبیب شارع نسبت به ارتکاب قطعی مخالفت وجود ندارد قطعا

سؤال: این فی حد ذاته که تعبیر ندارد بما هو مناقضه محذور دارد

پاسخ: نه یعنی عرف این را محذور می بیند. چون

مناقضه نه یعنی در واقع در مواردی که اجرای اصل تسبیب باشد می گوید اصل جاری نمی شود.

یعنی می گوید که حالا بفرمایید می گوید در اینجا حکم واقعی فعلی است

سؤال:

پاسخ: کلمه مناقضه تعبیر نکنید می خواهد بگوید در اینجا حکم واقعی فعلی است. فعلیت

سؤال:

پاسخ: بله عیب ندارد حالا هر چه می خواهید تعبیر کنید ملاکاتی هست که ناشی از ذات ملاک نیست. ملاکاتی هست که ناشی از قدرت است. هر ملاکی این طور نیست که شارع تضمین کند. ملاکی که ناشی از قدرت باشد ولو به ملاکات هم برگردد چون معلول قدرت است. معلول این است که من قدرت دارم یا خیر. ذاتا ملاک داشته است آن حکم واقعی و نمی داند که آن ملاکی که هست به خاطر عدم قدرت از فعلیت افتاده است یا نیفتاده است. همیشه شک در فعلیت است. شک در فعلیت به خاطر شک در ملاک نیست. شک در فعلیت دارم به خاطر شک

همیشه وقتی یک شیئی انسان نسبت به آن عجز دارد از فعلیت می افتد ولی این شک در فعلیت شکی نیست که مجرای احتیاط باشد.

سؤال: این بیان در شبهه محصوره نمی آمد چون ترجیح بلا مرجح بود از اطراف اینجا چرا ترجیح بلا مرجح نیست؟

پاسخ: به دلیل این که موقعی که می خواهیم اصل جاری کنیم علم به وجود این محذور نداریم. اول که می خواهیم اصل جاری کنیم شاید قدرت نداشته باشیم. پس بنابراین احراز نشده است معارضه دیگر.

اصل این هست که معارضه ای هست بخواهیم یک طرف معارضه را ترجیح بدهیم ترجیح بلا مرجح است. اول شما معارضه را اثبات کنید ترجیح بلا مرجح در ظرف معارضه اثبات دارد. اصلا معارضه اینجا احراز نشده است

این محصل بیان.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آل محمد